

ایران

درباره انتخابات مجلس خبرگان و انتخابات صاندوره‌های مجلس

شورای اسلامی

در هفته گذشته نوحه افکار عمومی، بحق، متوجه انتخابات بود. جریان انتخابات مناسبتی شد، تا یار دیگر مردم رحمتکش امید خود را به آینده انقلاب بیان کنند و با شرکت و وسیع خود، علیه رژیم همه بشکوهی های ضد انقلاب و لیبرال ها و مدافعان سناط طاغوت و ستم، پاسخ دهند و نشان بدهند که آرزوهای واهی و ایستکان به آمریکا و خواستاران بازگشت به نظام سرمایه سالاری و زورسالاری بدهند. تمامی جبهه متولفه ضد انقلاب، از سلطنت طلب ها و ساواکی ها، تا رجوی ها و بنی صدرها، از آریابا رهبر ارتش (!) مسلح آزادبشش! تا محمد عثمان سراج السیدیس نقشبندی رهبر طریقت نقشبندی!، از امیبی ها تا قاسم لوه‌ها، همه انتخابات را تحریم کردند! تبلیغات دیوانه وار سه راه انداختند: تحریک کردند و ترساندند. اما مردم ما بر سینه همه آن هادست رد گذاشتند. رادبوهای ضد انقلاب، از بلندن گوهای رسمی کشورهای امپریالیستی تا مکرر و فهای دارو دسته های فراری به جوساری برداختند. رادبوی صدای آمریکا من کامل اعلامیه ساواکی بدنامی به نام روحانی را، که خود را رهبر شیعیان اروپا می نامد، بخش کرد. این ساواکی شرکت در انتخابات را "مهرتایید زدن بر بی عدالتی ها و نا انصافی و ارتشکشی و اعانت بر گناه" خواند و گفت که رای دادن حرام و خودداری از رای دادن واجب عینی است! اما مردم مهر تایید بر بی آبرویی و ورشکستگی همه آنان زدند. مهر تایید بر حمایت خود از خط انقلاب و امیدی، که به آینده آن ستماند، زدند.

این رای معنای عمیق و همه جانبه ای یافت، زیرا علمه نوظه های امپریالیستی، علیه صد انقلاب، علیه تبلیغات و ادعای لیبرال ها متوجه شد. به قول سرمقاله اطلاعات، همه کسانی را که خواستار "استقلال ملی" هستند، همه کسانی را، که حل مسائل اجتماعی را طلب می کنند، صرف نظر از تفاوت قومی و مذهبی، در بر گرفت. به قول حجت الاسلام خوشنیا، علامت: "انسجام و وحدت در برابر توطئه های دشمنان" بود. به قول آیت اله جنتی، در اجتماع که در آستانه انتخابات برپا شد: "باید حسین ها در زاس حکومت قرار داشته باشند، اگر کنار زده شوند، حتما بزیدها حکومت را به دست خواهند گرفت."

معنای امروزی این سخن روشن است: باید خط امامی ها، انقلابیون اصل و بیکبر، در زاس حکومت قرار گیرند و اگر اس خط صد امپریالیستی، مردمی و انقلابی کنار زده شود، آن وقت بزبدیان، طرفداران زر و زور و تزویر، طرفداران بزرگ مالکی و سرمایه داری، روحانی نمایان "تدراسم"، انواع قشری ها و انجمنی ها و لیبرال ها، در اتحاد نامقدسی، حکومت را به دست خواهند گرفت.

در روز انتخابات، محلات محروم نشین بیشترین جمعیت را به سوی صندوق ها فرستاد. هواداران انقلاب، پر شور ترین مبلغین و شوقین شرکت گسترده در آن بودند، زیرا که به خوبی معنای این انتخاب و لزوم طرد بزبدیان را درک می کردند.

متأسفانه تدارک انتخابات و معرفی کاندیداها به نحوی نبود، که این تازیه همه جا معلوم گردد و در هر جا، نمایندگان معرف خط امام مشخص شود. بسیاری از مردم نتوانستند گاهی دقیقی بر ماهیت افرادی، که نمایندگان خط های بکلی متفاوتی بودند، بیابند، تا جایی که حتی مدافعان سرشناس زورسالاری، گردانندگان بازار و سرمایه داران نتوانستند خود را به نام خط امامی معرفی کنند. به علاوه، مقامات هر محل از قبول کاندیداها ی حزب نوده ایران و هم چنین سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) و در

کردستان، طرفداران کنگره چهارم، با آن که همه در عمل وفاداری خود را به جمهوری اسلامی ایران و قانون اساسی ثابت کرده اند و در راه تثبیت انقلاب می کوشند، سر باز زدند. در زمانی که صد انقلاب در خارج انواع نیت ها را در بر گرفته است، اسلامی ایران وارد می آورد و در داخل نیز کارزار سازمان داده شده بسیار گسترده ای علیه حزب ما جریان دارد. انتخابات میان دوره ای می توانست، با رعایت حداقل موازین آزادی های سیاسی مطرحه در قانون اساسی، پاسخ شایسته ای به دشمنان آگاه و به دوستان نادان بدهد. ولی متأسفانه عملاً آب به آسیاب دشمنان آگاه ریخته شد. دروغ ساخته و پرداخته سرویس های تبلیغاتی امپریالیستی، به دست عیصر خود فروجهای چون امیر طاهری، توسط جراید سلطنتی شین های حلیح و سپس توسط خبرگزاری های امپریالیستی، دایره بر این ادعا که کویا رفیق کیانوری ایران را ترک گفته و رفیق طبری در رشت دستگیر شده (!) در مطبوعات ایران نیز انعکاس یافت و در سایر و مجامع سبز بازگو شد. اگر چه این رفا به عنوان کاندیدای نهران نام نویسی کرده بودند، آقای موسوی سربری، دادستان کل انقلاب، در مصاحبه ای، بدستوالی که تکرار ادعای دروغ امیر طاهری بود، پاسخ "تجی دانم" داد. فرمانداری نیر از اعلام اسامی تمام کاندیداها خودداری کرد و تنها نام قبول شدگان را در جراید ذکر کرد.

به این ترتیب بود، که هنگامی که رفا کیانوری و طبری، جدا گانه، در حوزه رای گیری شماره ۲۹۶، مسفر در بیمارستان آسیا، حضور یافتند، با رای خود را به صندوق بیندازند، کسانی که حاضر و ناظر بودند، یا سعی آمیخته به خوشحالی، از این که یک دروغ دیگر صد انقلاب، لاف در همان مقیاس محدود فاش می شود، با آن ها روبرو شدند. همین نکته ضرورت توجه به موازین اخلاقی نماینده انقلاب را به همگان ثابت می کند.

حزب ما، همان طور که اصولیت سیاسی اش اقتصادی کید هشتم آذر ماه ۶۱، در اعلامیه ای رز عنوان "یا شرکت هر چه وسیع تر در انتخابات مجلس خبرگان و انتخابات میان دوره ای مجلس شورای اسلامی، با انتخاب نمایندگان وفادار به خط صد امپریالیستی و مردمی امام خمینی، به توطئه های امپریالیسم آمریکا و صد انقلاب پیرودها پاسخ دهیم"، مواضع خویش را بیان داشت و شرکت هر چه وسیع تر مردم را ضامن مقابله موفقیت آمیز با توطئه های امپریالیسم و وثیفه کشودن راه تدوین و تصویب لوایح بنیادی انقلابی شرد. سازمان فداییان اکثریت نیز در اعلامیه خود اعلام داشت: "وظیفه همه ماست که از یکسو با شرکت در انتخابات با توطئه صد انقلابی خارج کردن مردم از صحنه مقابله کنیم و از سوی دیگر با ریختن آرزوی خود به سود نامردهای شناخته شده ای که سابق روشنی در دفاع از انقلاب و خط صد امپریالیستی و مردمی امام خمینی دارند، تا آن جا که ممکنست تلاش راست گرایان و مخالفین خط امام را برای پیروزی در انتخابات و بحکیم مواضع خود بی اثر سازیم."

در هر حال همان طور که آیت اله العظمی منتظری گفته بود: "شرکت در انتخابات به معنای حضور در صحنه و آمادگی برای تصمیم گیری در مراحل آینده انقلاب" بود و "ثبات سیاسی کشور و قدرت مردم را در تصمیم گیری اثبات می کند" و در حفظ انقلاب از حوادث احتمالی آینده و "نقش برابری با حقن توطئه های شیطان بزرگ و همدستانش، می تواند" موثر باشد.

اگر در مجلس خبرگان اکثریت را طرفداران خط صد امپریالیستی و مردمی امام تشکیل دهند، اگر نمایندگان که برای مدب باقی مانده مجلس شورا اسباب می شوند، بسرعه اکثریت خط امامی مجلس بیافرینند، اگر این انتخابات کمک کند، تا انواع سلطان نماهایی که بزیاده دار در همه جای حکومت و اطراف آن رسوخ کرده اند، کنار زده شوند، تنها آن وقت این "معنای واقعی خود و این انتخابات معنای اهمیت خود را نشان خواهد داد."

خطری دائمی از جانب آمریکا، ایران انقلابی را تهدید می کند

انجام مانور مشترک آمریکا و عمان، تدارکات جدی متداخله تجارز در منطقه علیه ایران انقلابی و نهضت های آزادی بخش توسط امپریالیسم آمریکا، دشمن شمار میک میهن ما، افشای برخی جوانب نقضهای توطئه گرانه آمریکا در این هفته، موجب شد، تا باز دیگر خطر دائمی جدی و فوری امپریالیسم آمریکا علیه میهن انقلابی ما مشهود گردد و فعلیت و وحدت شعار "مرگ بر آمریکا"، مانند همیشه، معلوم شود. در عین حال موضع گیری هایی که در این هفته توسط برخی از مقامات مسئول به عمل آمد، نشان می دهد که گاهی نسبت به این خطر، خوشبینانه در عالی ترین سطح وجود دارد.

آقای هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی مانورها و توطئه‌های آمریکا را کوششی در جهت "روحیه دادن به مخالفان آمریکا"، "تمرینی برای روز مبادا" و "ترساندن انقلاب اسلامی ایران" توصیف کرد؛ ولی از آنجا که اهداف امپریالیستی آمریکا از این‌ها نیز فراتر می‌رود و عمل مشخصی را محسوس می‌کند، اضافه کرد: "آمریکا آن روز (زمان شاه) چه‌کاری توانست انجام دهد که حالا سرباز و تفنگدار پیاده‌گند و در منطقه مانور دهد."

آقای موسوی نخست‌وزیر در پایان جلسه روز یکشنبه دولت، در باره حضور "محرمانه" "ندروهای آمریکایی در عمان گفت: "این فعالیت‌ها شکل تهدید آمیزی به خود گرفته است... این مانور در رابطه با کشورهای دست‌نشانده است که به نوعی با امپریالیسم در ارتباط هستند." آقای موسوی از "حضور فعال نیروهای فرانسوی و انگلیسی و آمریکایی در نزدیکی تنگه هرمز و مانورهای آنان در اطراف این تنگه"، از کبابی به نام "الاجواز"، که در آن "قسمت‌هایی از بوشهر و هرمزگان و سیستان و بلوچستان به عنوان امازات غربی شمالی نام برده شده"، به مثابه "یک نقشه استعماری" در جهت "تحریر کشور ما" سخن گفت. آگاهی نسبت به این شکل تهدید آمیز و "این نقشه" تجزیه "باید موجب گرداند، که هرچه فاطمانه در برابر توطئه‌ها و حیل‌های مسقیم و غیر مستقیم آمریکا دست به اقدام عملی زد و در همه زمینه‌ها، سنجیده و مضمّن تدوین بیم از ناپنازها و برجس‌زدن‌ها، نتیجه لارم‌را از این شناخت گرفت."

آقای خلخالچی در نامه مفرقی خود به عنوان کاسدیدی مجلس خیزگان نوشت: "ما، شاه و آمریکا و دارودسته آن‌ها را از ایران بیرون کردیم و باید راه برگشت آن‌ها را کور کنیم و آن‌ها را به شکست قطعی بکنسیم" ما که می‌گوییم، نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی و فریاد می‌کنیم، مرگ بر آمریکا، نباید تنها به شعار اکتفا کنیم. این یک شعار بزرگ است؛ یعنی مرگ بر کالای آمریکا، مرگ بر سیاست آمریکا، مرگ بر وسایل پدکی و کارخانه‌ها و متخصص آمریکا. ما می‌خواهیم روی پای خود بایستیم و باید به حد خود کفایتی برسیم."

آمریکا در این ندادارکات وسیع و تهدید آمیز خود تنها از عمان سود نمی‌جوید، بلکه کشورهای که توسط بسیاری از مسئولان "دوست و برادر" خوانده می‌شوند، یعنی ترکیه و پاکستان، نیز هم چون اهرام‌های اعمال سیاست‌های نظامی - اقتصادی مداخله‌گرا به براندازی آمریکا عمل می‌کنند.

در این هفته ضیاء الحق دیکتاتور پاکستان میهمان ریگان بود و از او "استقبال گرمی" به تشریح همه‌بخبرگزاری‌ها، به عمل آمد. به مناسبت دیدار ژولتیز وزیر خارجه آمریکا با ضیاء الحق، اعلام شد که: "گمک‌های پیشین‌های آمریکا به پاکستان، شامل سه میلیارد و دو بیست میلیون دلار گمک‌اقتصادی و معادل همین مبلغ گمک‌نظامی به پاکستان است."

این ارقام نجومی واقعا بی‌سابقه است و نشانه اهمیتی است که آمریکا برای نقش دولت دست‌نشانده خود - نه "دوست و برادر" انقلاب ایران - در اجرای نقشه‌های تهدید آمیز جویش قاتل است. در همین سفر اعلام شد، که بهرودی "پاکستان شش فرودار چهل فرودان هواپیمای جنگنده اف ۱۶ را تحویل خواهد گرفت." به مناسبت همین سفر خود ضیاء الحق اعلام کرد که: "ارتش پاکستان در حدود ۱۵۰۰ پرسنل نیروی هوایی، سه تا چهار هزار پرسنل نیروی زمینی و چند صد پرسنل نیروی دریایی، به اضافه دو یا سه گردان میهن‌دوستی در عربستان سعودی آماده دارد. قراردادی بین پاکستان و سعودی در زمینه استخدام این عده در ارتش عربستان امضا شده، تا رفع کمبود پرسنل نظامی سعودی را بنماید."

همین پاکستان نه تنها سعودی، بلکه ارتش سلطان بنین عمان، را نیز از لحاظ نفرت تهدید می‌کند. روزنامه صبح آزادگان اطلاع داد، که هیات نظامی عمان در پاکستان در منطقه ساحلی مکران، در اسان بلوچستان، منتحول استخدام پاکستانی‌ها برای خدمت در ارتش عمان است. آری، پاکستان "دوست و برادر"، عربستان سعودی و عمان و هر سه متحد و آهسته آمریکا در اجرای نقشه‌های تهدید آمیز علیه ایران انقلابی هستند.

ترکیه نیز با آن‌ها دوست و از این فرمانبردار است. همین هفته اعلام شد که: "عاهده نظامی جدید بین ترکیه و ایالات متحده امضا شد و ترکیه پایگاه‌ها و امکانات خود را در اختیار آمریکا و نیروی واکش سریع او قرار می‌دهد. چندین پایگاه در خاک ترکیه نزدیک مرز میهن ما توسط آمریکا مدرنیزه شده و مرکز اعزام نیرو و تقویت نیرو از جانب آمریکا در منطقه خلیج فارس قرار خواهد گرفت." قبل از عزیمت ضیاء الحق به آمریکا، فرمانده ژاندارمری عضو شورای امنیت ترکیه با او ملاقات و مذاکره کرد. دیکتاتور ترکیه شخصا

به‌رودی به پاکستان سفر خواهد کرد. وزیر انرژی ترکیه هم در هفته گذشته از بغداد دیدن کرد. وزیر دفاع ترکیه نیز همین هفته برای همکاری نظامی هر چه نزدیک‌تر وارد اردن شد. ترکیه، مانند پاکستان، مرکز تجمع هزاران "پناهنده" ایرانی، یعنی صدانقلابیون فراری و به‌ویژه مرکز سازماندهی نظامی آن‌ها به منظور مداخله در ایران است. ضد انقلابیون آشکارا و علنا اعلام می‌کنند که از طریق ترکیه به ایران حمله خواهند کرد!

همه این‌ها حلقه‌های زنجیر خطرناکی از توطئه‌هاست، که به دور ایران بسته می‌شود. این هفته اعلام شد که: "یک فرماندهی مرکزی در منطقه وسیعی از پاکستان نامصر توسط آمریکا ایجاد می‌شود که دستورات خود را مستقیماً از واشینگتن دریافت می‌کند و شاحه‌ایست از نیروهای واکش سریع و در مرحله ابتدایی عمل خود حدود ۲۳۰ هزار نفر را در برمی‌گیرد که به‌زودی به دو برابر افزایش خواهد یافت." خبرگزاری یونایتد پریس مرکز آن را در فلوریدا، فرماندهان را بکنزیرال چهارستاره و هدف آن را "پاسخگویی به هر نوع بحران در خلیج فارس" نامیده است.

و هدف آن را "پاسخگویی به هر نوع بحران در منطقه خلیج فارس" نامیده است. بد است که حلقه‌های زنجیر بیش از پیش به هم پیوسته می‌شود و نقشه‌های استعماری تجزیه یا "پیاده شدن سرباز و تفنگدار" نه‌بیک حدی و گمان نیست، بلکه بگ‌حظر واقعی است، که حداکثر هشجاری و مدارک متقابل را از همه لحاظ داخلی و خارجی می‌طلبد.

تعماس‌های این هفته مسئولان کشوری ما با مسئولان و نمایندگان لئمی (وزرای خارجه و تملغات) و نیکاراگوئه (وزیر تجارت خارجی) و سن دموکراتیک (اعلامیه دولت این کشور) و ماداگاسکار (رئیس‌جمهور آن کشور) نشان داد که میهن انقلابی ما دوستان مطمئن و برادران واقعی بسیاری در میان کشورهای صد امپریالیست سراسر جهان دارد. آقای موسوی نخست‌وزیر در پایان جلسه روز چهارشنبه هیئت وزیران گفت: "بقین داریم که تمام تلاش‌های آمریکا برای کوبیدن و از بین بردن انقلاب اسلامی است." سخنگوی وزارت خارجه نیز در این هفته از مطامع شیطان‌های آمریکا جهت دخالته نظامی مستقیم در منطقه به سبب حفظ جاه‌طلبی و نفوذ و ادامه سیاست توسعه طلبانه و مداخله گرا به سلطان بزرگ با همکاری مردوران محلی، که نتیجه‌های جز سلطه هر چه بیشتر آمریکا بر ذخائر و منابع ملت‌های مسلمان منطقه در بر دارد، سخن گفت.

وظیفه حاد و دائمی رفقاست، که کلیه دسائس آمریکا و ندادارکات وابسته به آن را نفعیت کنند و به همه مردم و از جمله نیروهای مسلمان انقلابی خط‌امامی توضیح دهند و نتایج را، که باید از این شناخت و آگاهی گرفت، با تکمیر احمار و واقعات و رویدادهای هر هفته، خاطر نشان سازند.

نبرد سخت "خط"ها در مسئله اصلاحات ارضی

یکی از مهم‌ترین رویدادهای هفته‌های گذشته، جریان رویارویی بسیار حاد و شدیدی بود، که بین مدافعان بزرگ مالکی و حامیان دهقانان زحمتکش، بین هواداران مسخ و نابودی انقلاب و اهداف آن و خواستاران تعمیق انقلاب و تحقق هدف‌ها و وعده‌های آن به مردم امیدوار، در مجلس برسر قانون اصلاحات ارضی در گرفت.

این هفته ماده‌ش قانون مطرح بود و هنوز هم بحث درباره آن پایان نیافته است. یورش مخالفان انقلاب و دهقانان بسیار شدید بود و مقاومت خط‌امامی‌ها نیز حدی و محکم. هر خطو هر نصیره و گاه حتی هر کلمه آن ماده، آورده‌گاه دوخط مخالف، دوگرایش منضاد بود که در نهایت از یک مبارزه طبقاتی شدید و ریشم‌های گواهی می‌داد.

ماده‌ش مربوط است به اراضی دایر بزرگ مالکان، که در طرح کنونی بسد "ه" را تشکیل می‌دهد و (بند "دال" طرح قدیم) و این درست چشم‌اسفندبار نظام بزرگ مالکی است. تصویب و اجرای همه بندهای دیگر، هرگز از نظر ماهوی نمی‌تواند قابل مقایسه با این بند باشد. در این جاست که معلوم می‌شود: اما بالاخره انقلاب بر بساط بزرگ مالکی ضربه کاری وارد خواهد ساخت، یا این که به نحوی آن را باقی خواهد گذاشت و در نتیجه یا بگاهد انقلاب و استعمار و ستم مداوم خواهد یافت. شش‌ه‌عمر بزرگ‌ترین مالکان عمده درست در همین جا، در اراضی دایرشان، قرار دارد. ابتدا غیر منتظر نبود، که این همه بحث و تشنج و اختلاف آراء در این ماده رخ نماید. هنوز هم (تا ۲۱ آذر) سرنوشت تمام ماده معلوم نیست، ولی آن‌چه که گذشت، زرفای مبارزه طبقاتی جدی و اهمیت آن را برای سرنوشت انقلاب منعکس می‌کند. مخالفان اصلاحات ارضی، به‌ویژه پاسخگویانی چون آقایان معزی

و واعظی و اختری و نادى و ... به میدان آمدند. مخالفان به نام اسلام سخن گفتند و به این بهانه که ماده ۶ برخلاف شرع اسلام است (معزى) و ماده ۶ مالکیت را فاقد اعتبار می کند و از کارهای غیر مشروع است (واعظی و) چکار کنیم، ما گرفتار فهمیم (واعظی) به دفاع از مالکیت بزرگ مالکانی برخاستند، که سندهای مالکانشان را باخون دهقانان نوشته اند.

اما آشکار است که شرع دیگری هم وجود دارد، برآ که بر همین ماده فقهای چون منتظری و منکینی و شهید بهشتی صحه گذاشته اند. آقای شبانی نیز گفت: "این ماده طبق ضوابط شرعی است و اجازه ولی فقیه هم هست". مخالفان تمامی "زادخانه" خود را به کار انداختند. نخست با پیشنهاد حذف تمامی ماده و بنصره های آن به میدان آمدند. آقای واعظی، که این پیشنهاد را مطرح کرد، با حق نظارت دولت مخالفت کرد، به این "دلیل" که "کاری است آزاد، مردم معامله می کنند!" او پرسید: "چرا مردم مسلمان آزاد را این چنین محدود می کنیم؟" مردم "مسلمان آزاد" همان فتوای ها و خواست بر بزرگ مالکان بر پایه دار هستند، که از فید هرگونه تعهدی نسبت به انقلاب و مهس و سرنوشت مردم و اساساً کاملاً آزاد هستند و از مسلمانی سبانهایی و احتمالاً ظواهری - آن هم در این اواخر - دارند. آقای مری حصار را از "مسئولیت شرعی فردا"، از "فلاح کشاورزی" (لاسد نهیدند خرابکاری بزرگ مالکان) و از "حلال را حرام کردن" پرسید.

اما موافقین اصلاحات ارضی از "لزوم رونق کشاورزی، رفع مملکت، حفظ کشاورزی و کشاورزی"، از "لزوم زیرکتر رفتن ارضی و جلوگیری از مهاجرت، فراهم کردن امکانات تولیدی ارجحند زمین و خدمات، از رفع نیاز کشاورزی مملکت" و از "گرم ایجاد اشتغال، رفع بی - کاری، رفع ظلم و ستم، رفع فساد" صحبت کردند. آقای فاضل هرنندی، با تشریح وضع واقعی دهات، گفت: "چه هرچی بالاتر از این، چه ضروری برای آینده انقلاب از این بالاتر" و آقای سلامتی با رقم و عدد نشان داد که: "تعداد کسانی که زمین های زیاد دارند بسیار اندک است و میلیون ها کشاورز بی زمین و کم زمین هستند.

درباره استدلالاتی که مدافعان طرح و دهقانان عرضه می - داشتند، مخالفان جز هیاهو و حواسازی و شلوغ کردن و مهمه - سلاخی نداشتند و از آن تا آن جا استفاده کردند، که آقای رئیس مجلس تذکر داد: "این خلاف اخلاق اسلامی است که همیشه کنید که کسی حرفش را نتواند بزند."

پیشنهاد حذف تمامی ماده، با رای گیری رد شد، ولی کسی بالاتر از ۶ رای آورد، و این خود زنگ خطری بود و نشانه ای از وحدت یوزن مدافعان بزرگ مالکی.

پس از آن، برای حذف هر یک از بنصره ها، هر یک از حملات و عبارات و کلمات هم، پیشنهاد دادند تا مانع از شکستی شیشه عصر بزرگ مالکی شوند. آقای طاهری حذف بخشی از ماده را پیشنهاد کرد و استدلال کرد که: "جناب عسگر اولادی از کشاورزی پاکستان اطلاعات جالبی دادند که سابقاً ۲۵٪ و باسته بودند، در عرض چند سال کاری کردند که امروزه ۲٪ اضافه تولید دارند. آن ها گویدال های بزرگی حفر کردند و آبها را ذخیره کردند و توانستند به خود کفایی برسند!" آقای طاهری گنه اندیشه خود را صراحتاً بیان داشت: "تمام فشار ما اینست که زمین های ۵۰۰ (هکتاری و ۵۰۰ هکتاری تقسیم شود و ادعا کرد که: "ما ۳۳ میلیون هکتار زمین بزرگ خوب داریم!" بالاخره او خرابکاری آشکار بزرگ مالکان را به عنوان "دلیل" ذکر کرد و گفت: "حدود ۴۰۰ - ۵۰۰ هکتار زمین در شیراز متعلق به یکی از مالکان بود. قسمت کردند، حالا محصول کمتر می دهد و درآمد کم تر شده."

زمین مال چه کسی بود؟ او نگفت. ولی همه در فارس می دانند، که این زمین متعلق به برادر ابروی، بزرگ مالک لیبیرال و وزیر کابینه دولت موقت بود، که عمداً و با دهنه بندی در کار این زمین ها اخلال کرد و همه موانع را ایجاد کرد، تا محصول کمتر و درآمد کمتر شود و بهانه به دست بلندگویان بزرگ مالکی بیفتد.

اما مدافعان انقلاب گفتند: "برای تولید بیشتر، زمین باید در اختیار کسی قرار بگیرد، که هم مستحق است، هم زحمتکش است، هم کشاورز است و هم تولید کننده مملکت". این پیشنهاد هم رد شد و چند نفر دیگر پیشنهاد های دیگری برای حذف دادند، تا بالاخره نوبت به آقای سادی رسید.

او از جانب "عده ای" پیشنهاد کرد که عبارت "به برابر عرف محل" حذف شود. همین سه کلمه اگر حذف شود، قانون به این صورت در می آید، که مالکان هر قدر زمین دایر داشته باشند، می توانند همچنان در اختیار خود نگه دارند. در این جا بود، که لحظات بی جدی رویارویی طبقاتی و مقابله "خط ها در صحن مجلس (روز چهارشنبه)

کذشت. صف بندی ها مشخص تر شد. مخالفان همه نهری خود را جمع کردند و کوشیدند، تا همه متزلزل را گرد آورند و خط امامی ها را در محصه قرار دهند. آقای نادى می گفت: "کجا شرع گفته که باید محدود کرد". و آقای نوروزی، برعکس، از "قانون اساسی" و "مشکلات دهقانان" گامیدشان فقط به زمین است و ما موظفیم طبق قانون اساسی صحبت می کرد.

در مجلس ۱۸۲ نفر حاضر بودند و برای تصویب این پیشنهاد ضد دهقانی و مخالف با منافع انقلاب و مسخ کننده تمامی اصل اصلاحات ارضی، ۹۲ رای لازم بود. در رای گیری، با قیام و قعود، پس از همه مه و هاهو و ایجاد جو منشرح، تک منشی ۸۹ نفر ایستاده و دیگری ۹۱ ایستاده (معنی موافق با پیشنهاد آقای نادى) را شمارش کردند. هاهو بیشتر و تشنج فزون تر شد. با آن که برای رئیس مجلس جای صحبت نبود، ولی مخالفان قبول نمی کردند و رای گیری با وقفه را، به معنای "مشنبه بودن"، تحصیل کردند. بگزار بدون امضا رای ریختند و بعد که قرار شد، برای احتراز از تکرار و دوباره رای دهی، با اسم رای دهند، بعضی ها دوبار و بعضی ها حتی سه بار رای به گلدادن انداختند! ولی پس از محاسبه معلوم شد که ۸۵ نفر موافق حذف عبارت، یعنی موافق مسخ اصل قانون و سزورن کردن سرتاپای آن بودند. این رقم دامنه یوزن مخالفان اصلاحات ارضی را نشان می دهد.

اگرچه خط امامی ها موفقیت مهمی به دست آوردند و مقاومت و پیگیری از خود نشان دادند، ولی بعد کمی و محتوای کیفی حملات خط مخالف نیز تمامی خطرات حدی خود را، که می تواند هر لحظه تهدیدی مریگار ایجاد کند، به ظهور رسد. هنوز هم بیش بینی سربوست این قانون و سایر لواحق بنیادی معلوم نیست و این همان نکته مهمی است، که در اعلامیه اخیر کمنه مرکزی حزب مانه مناسب انتخابات و درباره نقش مجلس و "صحنه های اصلی بود حیاتی و سرنوشت ساز" در سازه نقش مجلس و "صحنه های اصلی سیرد حجاج و سرنوشت ساز" بر سر "لواحق بنیادی" و "صحنه سیروهای راست گرا" مسخ کننده انقلاب در داخل و در بیرون حاکمیت، خاطریشان گردیده است.

پیشنهاد حذف هر یک از ... تهرها و سپس حذف عبارت وجملات و کلمات را ارائه دادند، تا هر چه ممکن است در کار تصویب ماده ۶ احلال کنند. یک نفر از نمایندگان به درستی ماهیت این تشترافاش ساخت و گفت: "اگر این ماده رای نیابد، طرح بی طرح".

واقعا هم هنوز سر نوشت قطعی طرح معلوم نیست و مبارزه با شدت ادامه خواهد یافت. قابل ذکر است که آقای مزنی حتی فرمان بسیار مهم امام خمینی درباره تفویض حق تشخص ضرورت را به اکثریت مجلس ربر علامت سؤال برد. این کوششی بود، تا بر مقام و حیثیت مجلس شورای اسلامی و اعتمادی که امام خمینی به اکثریت آن کرده اند، ضربه وارد آید.

قانون کار بر اساس قانون اساسی و شرکت نمایندگان کارگران باید تدوین شود.

مسئله، پیش نویس قانون کار همچنان یکی از مهم ترین مسائل جامعه گذشته جامعه ما باقی ماند، اگر چه کوشش های آشکاری به عمل آمد. تا این مسئله از ادیان، از صفحات روزنامه ها، از رسانه های گروهی، از پایلوی اعلانات کارخانه ها، از دستور روز گردهمایی های کارگری حذف شود. ولی واقعبینان سر سخت تر از تشنه آبند و محافل طرفدار سرمایه داری، با کسانی که از گسترش بیداری و آگاهی طبقه کارگر، بیم دارند، نتوانستند توجه کارگران و زمینکنان را از این موضوع منحرف نمایند.

در جلسه "قانون هماهنگی شوراهای اسلامی منطقه جاده" مخصوص کرج درباره کمیسیون مربوط به قانون کار بحث شد. نماینده های گفت: "تقاضای ما از برادران عضو شوراها این است که در سطح کارخانه ها به کلیه کارگران اعلام کنند که برادران کارگر نظریات و پیشنهاد های خود را به شوراها دهند تا به دست اعضای کمیسیون برسد". نمایندگان ضرورت داشتن یک قانون کار اسلامی را خاطر نشان کردند. جلسه "قانون هماهنگی در جاده" مقدم کج مناسب دیگری بود، تا در این همه بر "گروم رفع نواقص موجود در پیش نویس قانون کار" خاطرنشان گردد.

در این زمینه خود کارگران نقش مهمی می توانند داشته باشند. به همین علت هم در این جلسه نه تشکیل کنگره های استانی شوراها توجه جدی شد. از گزارش سفر اراک نامانده، قانون معلوم شد، که نظارت برگزاری کنگره شوراهای اسلامی استانی تهران با سنگ اندازی و اشکال تراشی روبرو شده است. وی گفت: "ما موفق به گردهمایی تشدید، ولی اشکال الله در آینده این کنگره تشکیل شود". در عین حال خبر داده شد که: "کنگره شوراهای اسلامی استان های مختلف، از جمله فارس و اصفهان و خراسان، در آینده بسیار نزدیکی برگزار خواهد شد.

تشکیل این کنگره ها و انعکاس نظر واقعی کارگران در آنها می تواند زمینه بسیار مساعدی برای تدوین یک قانون کار انقلابی و مطابق با اصول قانون اساسی را فراهم آورد و نکات لازم را در اختیار اعضای کمیسیون وزیران، که مأمور تهیه قانون است، بگذارد. در همین گردهمایی جاده قدیم کرج، نماینده های گفت: "ضد انقلاب می خواهد شوراهای استانی را بی فایده و بی اثر معرفی کند و در صدد حذف شوراهای اسلامی کارگری است".

یاد گفت که: این ناکسک ضد انقلاب با نتایج عملی ساستی که کرداشدگان فعلی وزارت کار و مدافعان خط سرمایه داری احراری کنند، قربان کامل دارد.

در جلسه "هماهنگی شوراهای اسلامی جنوب تهران" (شهری) به روشن نبودن وضع قانون کار و "خودسری مدیران در احرارها" اعتراض شد. در حضور آقای پورگل نماینده انزلی، کارگران به اتفاق خواستار بی گرفتن قانون کار شدند و پیشنهاد کردند که بحث های پیرامون قانون کار در مطبوعات، به کار خانات برده و نصب شود. آقای پورگل گفت: "ما متکی بر طبقه کارگر و دهقانان و مستضعفین هستیم و ما اگر خواستار ادامه مبارزه بر علیه آمریکا هستیم، باید این طبقه ها را راضی کنیم. از این رو قانونی که مخالف کارگران باشد، وضع نخواهد شد و... مجلس اجازه تصویب مواد مخالف کارگران را نخواهد داد". وی خواستار شد که نظرات و مسائل مربوط به قانون کار را از طریق مطبوعات و ارسال نامه و طومار دنبال کنند.

از تجربیات اخیر و انعکاس نامه های کارگران در مطبوعات، معلوم می شود که این توصیه آقای پورگل مفید و موثر است و واقعا هم لازم است کارگران هر چه وسیع تر به ارسال نامه و طومار و اعتراض علیه مدافعان خط سرمایه داری بپردازند و در دفاع از مواضع حقه خویش، دفاع از قانون اساسی، دفاع از شکل ها و شخصیت های خط امامی،

بکوشند و بخواهند که در تدوین قانون مشارکت داشته باشند و مسائل مربوط به قانون کار و نظریات آنها در جراید و رسانه های گروهی و در جلسات و گردهمایی ها انعکاس یابد.

این دو حمله، که در هفته گذشته توسط یک کارفرمای سنگری و تک کارگر خباط گفته شد، به خوبی میزان آگاهی طبقاتی و ماهیت پیش نویس قانون کار را روشن می کند. آقای کارفرما گفت: "این قانون برای ما لبره می آورد" و کارگر گفت: "ما حالا می فهمیم چرا تو کلی سد بگاها را محلل اعلام کرد".

در این شرایط به همه رفقا یاد دیگر خاطرنشان می کنیم، که مطالعه مجدد مطالب "پرسش و پاسخ" رفیق کبانوری، مورخ ۲۹ آبان ماه ۶۱، و همچنین توجه به توصیه های که تحلیل هفتگی ۷ آذر ۶۱ شد بود، کاملا ضرورت و فعلیت دارد. پیش نویس قانون کار آقای نوگلی، که از تصویب هیئت وزیران نگذشت، ضد کارگری است، مغایر با قانون اساسی است، "محصول کارخانه جبهه" ائتلافی دفاع از سرمایه داری و نمایانگر خطر عظیمی است که از ناحیه سرمایه داران تازه به قدرت رسیده و زیر نفوذ اسلام نمایی، متوجه کارگران است. توجه همه رفقا و هواداران را، در بیکار خستگی ناپذیری که در این زمینه باید انجام دهد، به این نکته جلب می کنیم، که در فعالیت های روشنگرانه خود، همه جانبه به قانون اساسی و لزوم بازتاب اصول آن در قانون کار تکیه کنند. اصول بسیار مهمی در زمینه استقلال اقتصادی و آزادی های سیاسی و اجتماعی و رهایی از ستمگری در قانون اساسی وجود دارد و از اجرای آنها همه مردم رهنمونش، از جمله کارگران نصیب خواهند داشت؛ توجه کنید که حق کارگران و زمینکنان در برخورداری از مواهب نظام اقتصادی جمهوری اسلامی در اصول ۲ و ۳ و ۲۰ و ۲۱ و ۴۴ و ۴۶ تا ۵۱ قانون اساسی، حق شرکت کارگران در اداره کشور و امور مربوط به کار در اصول ۳ (بند ۸)، و ۱۰ و ۱۱ و ۱۰۴ و قانون اساسی و برخورداری از حق کار و انتخاب شغل در اصل ۲۸ و اصل ۴۲ و برخورداری از حق نامن اجتماع و بهداشت و مسکن در اصل ۲۱ و ۲۹ و ۳۱ و قانون اساسی و برخورداری از حق آموزش در اصل ۳ (بند ۲) و ۲۱ و ۲۲ و ۳۰ و ۳۱ و ۴۲ و قانون اساسی و مسئله تساوی حقوق زن و مرد در اصول ۳ و ۱۰ و ۲۰ و ۲۱ و برخورداری از امنیت قضایی و تساوی حقوق در اصل ۳ (بند ۱۴) و اصول ۱۹ و ۲۰ و ۲۲ و ۲۳ و ۳۲ و ۳۳ و ۳۴ و ۳۶ و ۳۷ و ۴۱ و چندین اصل دیگر قانون اساسی فید و مسجل و تثبیت شده است.

قانون اساسی دستاورد انقلاب بزرگ ماست و همه این اصول باید در بند بند مواد قانون کار بازتاب یابد و توسط این قانون وارد زندگی میلیون ها زمینکن ایرانی شود. وظیفه همه ماست، که این اصول قانون اساسی را به همان کارگران سریم و درباره ضرورت مشارکت آنان و فعالیت دائمی و اقدام بیکر آنان در این جهت، که اصول قانون اساسی شالوده تدوین قانون کار قرار گیرد، تاکید کنیم.

یادی از ۲۱ آذر

۲۱ آذر سالگرد یک رویداد مهم در تاریخ معاصر مهن ماست. مردم زمینکن آذربایجان ۳۷ سال پیش، در چنین روزی، به قیام فراگیری علیه نظام محمد رضا شاهی دست زدند و نهضتی را به پیروزی رساندند، که بر سلطه امپریالیسم و دربار پهلوی، بر حکومت خان ها و فئودال ها، بر غارت سرمایه داری بی حد و بیار لگامی رومی رفت، تا در مهن واحد ما، کانونی از مبارزه و حق طلبی، بیداری و شکل به خاطر اهداف عالی رهایی مهن از جنگال امپریالیسم و سلطنت وابسته، از فید استثمار و ستم و وسیل به عدالت اجتماعی و آزادی، فرهنگ و ترقی بوجود آورد. تبلیغات رژیم وابسته و فاسد شاه پیش از سی سال در آلودن سیما و اقصای و اقنار دین به نهضت آذربایجان کوشید و خیزش زمینکنان آذربایجان را به اتهام "تجزیه طلبی" محدودش جلوه گر ساخت. ولی در قلوب مردم زمینکنش یاد ۲۶۵ روز آن حکومت از یاد رفتنی نیست.

این حظه، که زادگاه انقلابات و جنبش های متعدد مردمی و نهضت شخصیت های برجسته مهنی ما، اعم از سیاسی و مذهبی و علمی و ادبی است، و در انقلاب بزرگ ما نقشی عظیم و تعیین کننده داشته، حق دارد که در انتظار برخورداری از مواهب و ثمرات انقلاب، از همه نظر، از قومی و ملی گرفته تا عمرانی و شکفتگی اقتصادی و فرهنگی، باشد. این امر اکنون ضرورت بسیار دارد، زیرا که ضد انقلاب ما و گرفته در ترکیه بویژه، با یشتیبانی بزرگ مالکان و خان های خائن عشایر آذربایجان فریبی، بویژه از این راه مداخلات و تحریکات خود را انجام می دهد و به عدم موفقیت جمهوری اسلامی ایران در پیشبرد وعده ها و اهداف خود در این منطقه امید بسیار بسته است.

نام دارد و امروز جهت مذاکره با مقامات آمریکایی وارد واشنگتن می شود. برنامه های اسلامی ژنرال ضیا الحق جنوب آسیا را به صورت نیروی قابل توجهی در بین حلقه کشورهای غیرمتهد در آورده است. نیروهای نظامی پاکستان تقریباً در سراسر حوضه خلیج فارس پراکنده اند. سیاست اسلام آباد نسبت به رژیم اسلامی ایران سیاست نرمش و ایستادگی است... به گفته دیپلمات های غربی ژنرال ضیا الحق بازی شطرنج ماهرانه ای را در پیش گرفته است، که ضمن جلب نظر حمیدی، حلوی حفر گسترش تبلیغات تهاجمی رژیم بنیادگرای ایران را نیز بگیرد و اثرات منفی آن را خنثی کند... سیاست خارجی ضیا الحق جلوگیری از گرایش ایران به دولت های کمونیستی است. وی می گوید که رژیم ایران را همچنان به صورت رژیم ضد شوروی نگه دارد. پاکستان در صحنه سیاست خارجی، مثلاً در کنفرانس اسلامی با در سازمان کشورهای غیرمتهد، نقش دیپلماتیک خود را خوب ایفا کرده و ایران را در این زمینه عقب زده است... پاکستان از نظر دفاع منطقه در راس کشورهای دیگر قرار دارد. نیروهای پاکتانی در عربستان سعودی مستقر شده اند. مشاوران نظامی پاکستان، همراه با تکمیسین و حیلان و کمک حیلان، در اردن، ابوظبی، عمان، امارات متحده عربی نیز مستقرند. دوازده سال پیش ضیا الحق، که در آن موقع فرمانده یک تیپ بود، در ماجرای اردن مدافع از دولت هاشمی در حالت کرد و پس از سردی خمین، چریک های فلسطینی را از اردن بیرون کرد، گرچه امروز خود را مدافع "ساف" و مسود می کند. این نقل قول را با همه درازی آن آوردیم، زیرا انگیزه های سفر ضیا الحق و پذیرایی گرم ریکان از وی را از زبان روزنامه ای، که واقعاً همه ریز و رم های سیاست گام بعد است، به خوبی بیان می دهد. "اعلام" ضیا الحق در صفحه شطرنج ژئوپلیتیک اسلام چشمش را سست داده است و یا ناید بدهد و این "اسلام" است، که باید نیروی قابل توجه در بین حلقه کشورهای غیرمتهد منطقه باشد و همین "اسلام" است که باید با سیاست نرمش و ایستادگی ایران را به صورت رسمی ضد شوروی نگه دارد و ایران را در میان سایر کشورهای اسلامی و غیرمتهد "عقب بزند" و با اعزام کارسازان نظامی خود به تمام کشورهای مرجع "از نظر دفاع منطقه در راس کشورهای دیگر قرار گیرد" و در صورت لزوم، به سائند "دفاع از دولت هاشمی"، هر حمیش انقلابی را با "نردی خونین" سرکوب کند! ضیا الحق در حالی این نفس کنیف ز یاداری را به عهده می گیرد، که مردم کشور حقیقتاً به نا شمع محتاجند، درآمد سرانه ماهانه آنان در حدود ۲۵ دلار است، ۷۶ درصدشان بی سوادند و با این همه بودجه آموزش آن تنها فریب یک سوم بودجه نظامی است. رژیم سرکوبگر نظامی پاکستان تمام بناسسات دموکراتیک (مجلس انتخابی، احزاب، سازمان های اجتماعی) را به نام "اسلام" طغی کرده است. و حکومت ریکان تمام این نیمه تاریها، به علاوه نص حقوق بشر و تلاش برای تولید بمت هسته ای و بازگذا رن دست سوداگران بزرگ مواد مخدر را ناید می کند، زیرا بدون ضیا الحقها نمی تواند به غارب و استعمار صنایع طبیعی و انسانی حلق های منطقه ادامه دهد.

سفر ضیا الحق به آمریکا سایه شوم جند جنگ را به ممرهای مینهن ما نزدیکتر می کند و باز دیگر به ما همدار می دهد که: دوستان و دشمنان خلق و مینهمان را با ضوابطی سنجیده تر و عینی تر از ادعای "مسلمانی" انتخاب کنیم.

استراتژی کبوسی امپریالیسم آمریکا: برهم زدن قوا میان دنیای سوسیالیسم و دنیای امپریالیسم

تشکیل "فرماندهی مرکزی" و نقشی را که امپریالیسم در این سازمان نظامی می خواهد به پاکستان واگذار کند، جدا از استراتژی کلی امپریالیسم، که اسفرار موشک های "ام- ایکس" در آمریکا و "برشنگ" و "گروز" در اروپای غربی عناصر مهم دیگر آنند، نمی توان در نظر گرفت. تمام این موشکها و همه آن "فرماندهی" ها برای آن به وجود آمده و می آیند، که در نبرد تاریخی کنونی، که بین انقلاب و ضد انقلاب در صحنه جهانی ادامه دارد، توازن نیروهای اقتصادی، سیاسی و نظامی را به سود بقای نظام محض سرمایه داری انحصاری تغییر دهند. بهانه ها هر چه باشد، چه "خطر کمونیسم"، چه خطر "اسلام بنیادگرا"، چه دفاع از آزادی و "دموکراسی" غربی - محتوای تمام اقدامات دنیای امپریالیستی را چیزی جز همین تلاش تشکیل نمی دهد، و این تلاشها بویژه هنگامی اوج می گیرد، که ضربات دردناکی چون انقلاب های دهه گذشته بر بیکر امپریالیسم وارد می شود. هم اکنون دنیای امپریالیسم به رهبری ایالات متحده برای متوقف کردن روند اوج گیرنده انقلاب های آزادی بخش، که از مرحله کسب

۲۱ آذر مناسبتی مهم است، نا با گرامی داشت همه شهدای آن نهضت و جنگگری از تحریکات آن یک سال، زهر تبلیغات دروغمن نظام استعماری را از اذهان بزدایم، حقایق را بازگو کنیم، انقلابیون راستین را از بیستادوری های ناشی از جو روانی ایجاد شده توسط دربار پهلوی برهانیم و ضرورت تحولات میدادی و آوردن ثمرات انقلاب را به اس منطقه حساس مهن انقلابیون خاطر نشان سازیم.

جهتستان

سفر ضیا الحق به آمریکا

سفر ژنرال ضیا الحق به "ارض موعود"، مار دیگر اس دیکتاتور عوام فریب را، که هر روز بنا به مصلحتی ماسکی بر چهره می زند، در زمر درهس صاحب نظران سیاسی قرار داد. در آستانه عزیمت وی به واشنگتن، سنا به گفته سی. بی. سی، دولت ریکان به مطبوعات کشور موصد کرده بود، که درباره سوانق (ما اضافه می کنیم: نتگین) بیزیدت ضیا الحق زیاد سروصدا راه بندازند و مطبوعات آمریکا نیز به بیسروی از صلاح دید دولتشان، یک درمده آنچه را که با سنی در شناساندن چهره واقعی ضیا الحق به مردم آمریکا می نوشند، ننوشند؛ اما مسائلی که همراه ما وی به سفر آمده بودند، بزرگتر از آن بودند که بنوان ما منطقه سکوب از گزار آنها گذشت و همین اندک اشاراتی که درباره این مسائل در رسانه های گروهی انعکاس یافت، به قدر گهائیت توضیح می داد، که چه عوامطی رژیم نظامی سرکوبگر ضیا الحق را به مار وفادار و دوست بایدار امپریالیسم آمریکا در منطقه ما مدخل کرده است.

همکاری با رژیم های مرجع محلی یکی از اصول در بین سیاست های استعماری و امپریالیستی در طول تاریخ بوده است، و از اس دیدگاه، نزدیکی و همکاری پاکستان با امپریالیست های آمریکایی و انگلیسی توجه خاصی را به خود جلب نمی کند؛ اما آنچه به اس همکاری و نزدیکی ویژگی و اهمیت می دهد نخست برد و تعبای اس همکاری در استراتژی جهانی امپریالیسم و سپس خطرانی است، که از ناحیه آن متوجه آزادی و استقلال تمام خلق های منطقه و در راس آنها مردم و مین انقلابی ما ست.

در همان روزهایی که ضیا الحق در آمریکا به سر می برد، وزارت دفاع ایالات متحده اعلام کرد، که "نیروهای واکنش سریع" خود را در یک سازمان نظامی تازه به نام "فرماندهی مرکزی در جنوب غرب آسیا" ادغام کرده است. منطقه عمل اس فرماندهی از مصر تا پاکستان را دربر می گیرد. این سازمان نظامی جدید، چنان که از نامش پیداست، در میان دو "فرماندهی" بزرگ دیگر (ایالات متک شمالی و حاوردوز) قرار دارد و از لحاظ قدرت و تسلیحات و شمار نفرات و امکانات ناکنکی و اسرار تزیک هسته ای، چیزی همسطح آنهاست. "فرماندهی مرکزی مستقماً تابع کمیته شترنگ روسای ستاد نیروهای مسلح آمریکا ست. "فرماندهی مرکزی" به عنوان یک سازمان دائمی نظامی (و نه جمعی خاص از نیروهای نظامی برای ماجرای یک عملیات موقت) باقی می ماند. ماهوریت اصلی آن نیز حفظ مواضع دنیای امپریالیسم (و نه سنها ایالات متحده آمریکا) در اس منطقه زرخیز جهان است، که به دنبال انقلاب افغانستان و ایران و آتشهای زبرخاکستری که اکنون شراه می زند، حدا به مخاطره افزاده است.

"فرماندهی مرکزی" با آن که خود چند صد هزار نظامی آمریکایی در احبیار خواهد داشت و از کمک و همکاری نیروهای مسلح انگلستان و سایر دولت های امپریالیستی و کشورهای مرتجع عرب نیز بهره خواهد گرفت، بدون جلب پاکستان به این سازمان نظامی، نمی تواند نقش موثری در اجرای ماهوریت خود ایفا کند. پاکستان بگانه کشوری است، که از امکانات نظامی کافی برای انجام عملیات وسیع در حیطه فعالیت "فرماندهی مرکزی" برخوردار است. رژیم دیکتاتوری نظامی ضیا الحق، که به نمایندگی از بزرگ زمین داران و کلان سرمایه داران وابسته کشور را به شیوه اسلام آمریکایی اداره می کند، می تواند به صورت بهترین پایگاه امپریالیسم و ارتجاع درآید و تمام رژیم های مرجع دیگر محلی را به دنبال خوش کنانده آنان را در یک پیمان نظامی رسمی با غیر رسمی، با مارک "اسلامی" گرد آورد و "اسلام" آمریکایی را به جنگ اسلام انقلابی بفرستد.

روزنامه آمریکایی کریشن ساینس مانیاتور، در مقاله مفصلی، به توضیح نقش پاکستان در نبرد "اسلام" ها پرداخته می نویسد:

"مدعیان دفاع از جهان اسلام دوتن هستند، که یکی آیت الله است و دیگری ژنرال، و این ژنرال است که بر صفحه شطرنج ژئوپلیتیک اسلامی آیت الله را شکست داده است. این ژنرال محمد ضیا الحق

استقلال سیاسی پا فراتر نهاده و درصدد نبل به استقلال اقتصادی هستند، برنامه پیچیده و چندسویه‌ای را تدوین کرده است، که عنصر اصلی آن را سیاست تکیه به زور نظامی برای ادامه استثمار و غارت خلق‌های "جهان سوم" تشکیل می‌دهد. این سیاست هنگامی می‌تواند کارایی داشته باشد، که نیروهای ضدامپریالیستی و در پیشاپیش آنها کشورهای سوسیالیستی توان دفع قدرت نظامی امپریالیسم را نداشته باشند. ریگان و دازودستاش، به‌نامندگی از دنیای امپریالیستی، می‌کوشند که در یک مسابقه تسلیحاتی این برتری نظامی را کسب کنند. بهانه‌ای که برای فریب دادن مردم کشورهای خودشان و وادار کردن آنها به تحمل بار سنگین مسابقه تسلیحاتی جعل کرده‌اند. ادعای برهم خوردن توازن نیروهای نظامی پیمان "ناتو" و پیمان ورشو، در اثر تقویت قدرت نظامی اتحاد شوروی است.

مصاحبه وزیر دفاع اتحاد شوروی

مارشال اوستینوف وزیر دفاع اتحاد شوروی در یک مصاحبه مفصل با خبرنگار "تاس" از این ادعای حیل‌گرانه ریگان و امین برگر، که ایالات متحده عملاً در تمام رشته‌های قدرت نظامی از اتحاد شوروی عقب مانده است، پرده برداشت. وی گفت: کسی که در اس معامی چون ریاست جمهوری آمریکا قرار دارد، باید در برابر گفته‌های خوش احساس مسئولیت کند، اما رئیس‌جمهور آمریکا در سخنرانی ۲۲ نوامبر خود کوشید، آنچه را که از واقعیات فرسنگ‌ها به دور است، به شنوندگان خویش بقبولاند.

مارشال اوستینوف گفت: همه می‌دانند که در قرارداد سالت ۲، که پس از هفت سال مذاکره و بررسی‌های همه‌جانبه در سال ۱۹۷۹ امضاء شد، ایالات متحده آمریکا پذیرفت که بین دو کشور توازن نیروهای استراتژیک وجود دارد. این نیز مسلم است که در ظرف دو سه سالگی که از آن تاریخ می‌گذرد، نه اتحاد شوروی و نه هیچ کشور دیگری نمی‌تواند در زمینه سلاح‌های استراتژیک، که تولید و استقرار آنها سال‌های زیادی وقت نیاز دارد، چنان‌که رئیس‌جمهور آمریکا ادعا می‌کند، برتری مسلم کسب کند. اما این اشتباه است، که می‌خواهد برتری نظامی به دست بیاورد و تاریخ تقریبی دستیابی به آن را نیز تعیین کرده است: سال ۱۹۹۰. وزیر دفاع اتحاد شوروی سپس به تجزیه و تحلیل و مقایسه عناصر تشکیل دهنده نیروهای نظامی پیمان ورشو و پیمان ناتو پرداخته می‌گوید: از لحاظ شمار کلاهک‌های هسته‌ای که در یک مرتبه می‌تواند به سوی هدف پرتاب شود، شاخصی که از نظر قدرت نظامی بسیار گویاست، پیمان ناتو هم‌اکنون یک بارونیم بر پیمان ورشو برتری دارد. رئیس‌جمهور آمریکا عمداً عناصر دیگر تسلیحاتی را نادیده می‌گیرد و موشک‌های میان‌برد اتحاد شوروی و آمریکا را، آن‌هم تنها آن موشک‌هایی که در روی زمین مستقر هستند، با یکدیگر مقایسه می‌کند و به این نتیجه می‌رسد که: اتحاد شوروی باید موشک‌های میان‌برد خود را برچیند. اما ایالات متحده تمام سیستم‌های مواضع مقدم خود را دست‌نخورده نگاه دارد! و این پیشنهاد غیرجدی را راه حل "ساده و عادلانه" شروع از "صفر" می‌نامد، "صفری" که در پشت سر آن برتری نظامی را برای ایالات متحده تضمین می‌کند.

موشک‌ها و بمب‌افکن‌های میان‌برد اتحاد شوروی در برابر همین نوع از تسلیحات هسته‌ای موجود در اروپای غربی قرار گرفته‌اند. این تسلیحات عبارتند از: هواپیماهای آمریکایی قادر به حمل سلاح‌های هسته‌ای مستقر در اروپای غربی، هواپیماهای همین نوع مستقر در ناوهای هواپیمابر در آب‌های ساحلی اروپا، موشک‌های بالستیک میان‌برد و بمب‌افکن‌های نظیر آنها متعلق به انگلیس، فرانسه، مستقر در زمین و دریا. این هواپیماها و موشک‌ها، برخلاف آنچه ایالات متحده ادعا می‌کند، سلاح‌های هسته‌ای تاکتیکی نیستند، زیرا شعاع عمل آنها از هزار تا ۴۵۰۰ کیلومتر است و می‌توانند بر هدف‌های واقع در خاک اتحاد شوروی تا او را ل ضربت وارد کنند. در مورد نیروهای معمولی نیز هم‌ترازی تقریبی بین پیمان "ناتو" و پیمان ورشو وجود دارد، هر چند در ترکیب این نیروها تفاوت‌های غیر عمده‌ای به چشم می‌خورد.

وزیر دفاع اتحاد شوروی گفت: "ما عقیده داریم که این برابری را می‌توان به پیاپی‌ترین سطح کاهش داد و از مسابقه تسلیحاتی صرف‌نظر کرد.

مارشال اوستینوف سپس می‌گوید که: هر دو در مسابقه تسلیحاتی به‌گناه ایالات متحده آغاز شده است. اکنون نیز ایالات متحده است که می‌خواهد با استقرار موشک‌های "ام-ایکس"، در آمریکا موشک‌های "کروز" و "پرشینگ-۲" در اروپای غربی، دور تازه‌ای را در مسابقه تسلیحاتی آغاز کند، و این کوششی برای نبل به برتری نظامی در

اروپا و سایر جهان است، و کشور ما همواره به صداقت و جدی بودن تمایلات آمریکا برای حصول توافق قابل قبول در گفتگوهای ژنو بیشتر متنبون می‌شود و به این نتیجه می‌رسد که: ایالات متحده می‌خواهد این گفتگوها به عنوان پرده اختصار برای مقاصد واقعی خود استفاده کند. موشک‌های میان‌بردی که ایالات متحده می‌خواهد در اروپا مستقر کند ۲۵۰۰ کیلومتر برد دارند، و برای افراد نخستین ضربت در جنگ هسته‌ای اروپا در نظر گرفته شده‌اند. طول مدت پرواز موشک‌های پرشینگ-۲ تا رسیدن به هدف، در حدود ۶ دقیقه است و استراتژی‌های آمریکایی حین جتاب کرده‌اند که در طرف این مدت، وارد کردن ضربت متقابل ممکن نخواهد بود؛ بنابراین مسئله برای آنان افزودن رقم ۶۰۰ موشک به قدرت استراتژیک بالذره آمریکا نیست، بلکه موضوع برای آنان ایجاد یک تغییر کیفی موقعیت استراتژیک به سود آمریکا است. اما مقام‌های رسمی آمریکا نخواهند توانست تا را تا موشک‌های خود بترسانند و تصور کنند که می‌توانند بر اتحاد شوروی برتری نظامی کسب کنند از این تصورات واهی هیچ نتیجه‌ای عایدان نخواهد شد. اگر رهبران کنونی کاخ سفید بقصدای عقل سلیم گوش دهند و به استقرار موشک‌های "ام-ایکس" دست برندارند، اتحاد شوروی در برابر اقدام آنها موشک‌هایی خواهد ساخت، که از هیچ حیث یا بیش تر از آن موشک‌ها نباشد.

آیا در زهری کنونی آمریکا کسانی پیدا خواهند شد، که به ندای عقل گوش بدهند؟ البته خیر! اما موج عظیم ضد جنگ، که در اروپا و آمریکا برخاسته است، می‌تواند دیوانگان کاخ سفید را سرخای خود نشانند. شکست لایحه نامین فالتی تولید موشک‌های "ام-ایکس" در مجلس نمایندگان آمریکا را می‌توان به فال نیک گرفت و امیدوار بود که فشار افکار عمومی جهان و بویژه آمریکا، سران دولت آمریکا را بآردنگر به قبول مذاکره درباره کاهش تسلیحات و گردن نهادن به هم‌بستی مسالمت‌آمیز وادار سازد.

۶۱/۹/۲۱

www.iran-arc.com